

مسیح و ما ، ما و مسیحیان

<?xml encoding="UTF-8">

آیه مشهوری در انجیل یوحنا وجود دارد که گویا از دست تحریف تحریفگران اندکی مصون مانده است .
مقدمتاً این نکته را یاد آور می شوم که بحث درباره مفهوم حقیقی لفظ «پاراقلیط» در زبان سریانی از جمله مباحث اتیمولوژیکی است که از قرن ها پیش مورد بحث دانشمندان مسلمان و مسیحی بوده است . در این میان غالب اندیشوران مسیحی این لفظ را به معنی «تسلّی دهنده» (در زبان عربی معزّی) گرفته و آن را بر «روح القدس» منطبق دانسته اند . از جمله این دانشوران یکی کشیک فندر آلمانی است که این رأی را در کتاب میزان الحق بیان داشته است دانشمندان مسلمان و برخی نویسندگان مسیحی ، همچون نویسندگان دائرةالمعارف بزرگ فرانسه (ج 23، ص 4147) و یا فخر الاسلام ، مؤلف قبلاً مسیحی کتاب انیس الاعلام ، این لفظ را شکل تحریف شده «پرکلیتوس» یونانی می دانند که به معنی بسیار ستوده یا همان «محمد» است.
استاد ارجمند حسن مصطفوی در کتاب مستطاب خود التحقيق فی کلات القرآن الکریم ذیل ماده «ح،م،د» می نگارند :

يقال إنّ أصل هذه الكلمة باليوناني- پرکلیت- ومعناه الاحمد (پسندیده)، ثم حرّف بکلمة پرکلیت ، ومعناه المعزّی .

گفته می شود که «اصل این کلمه در زبان یونانی پرکلیت (به کسرپ و ر) و معنای آن «احمد» ؛ یعنی پسندیده است ، سپس این واژه به کلمه پرکایت (به فتح پ و ر) تغییر شکل داده شده ، که این دومی به معنی «معزّی»؛ یعنی تسلّی دهنده است .

به هر حال کم نیستند اندیشمندان از جهان اسلام و مسیحیت که به تحریف لفظ پاراکلیت از پرکلیت و انطباق این دومی بر لفظ «محمد» یا «احمد» اذعان دارند .

و این در حالی است که مستر هاکس آمریکایی- در قاموس کتاب مقدس- و سایرین در قاموس عربی- عربی لقوجمان ، آن را به معنی تسلّی دهنده ، آرامش بخش و یا حتی وکیل مدافع و مدعی العموم گرفته اند؛ یعنی همان ترجمه ای که در انجیل به زبان فارسی و عربی انعکاس یافته و مستند بحث اندیشوران داخلی نیز قرار گرفته است .

آنچه در این میان قابل تأمل است اینکه نسخه عبری انجیل ، علزعویر، که منبع مورد اعتماد آن برای ترجمه ، نسخه یونانی انتشار یافته در سال 1624م. است ، در عوض استفاده از لفظ پاراقایط (که به معنی تسلّی دهنده است) از لفظ پارقلیط (یعنی محمد یا احمد) بهره جسته است. بنابر آنچه گفتیم ، گذشته از راقم این سطور، هستند کسانی که موعود یاد شده را محمّد نام می گذارند. به تعبیر ساده تر نام این موعود را- نه فقط کردار و سرشت و گونه رفتاری او را- «محمد» یا «احمد» می دانند. آیه ششم از سوره مبارکه صفّ از قرآن آسمانی هم شاهد صادقی بر این مدعاست ، آنجا که از آمدن نام محمد ، نبی مکرم اسلام در انجیل نامحرّف سخن می گوید و آمدن او را در پسر عیسی (ع) از جمله پیشگویی های مسیح محسوب می دارد.

در سالهای گذشته انتشار پیراسته متن انجیل موسوم به برنابا که نام پیامبر به صراحت در آن آمده و حتّی تقدّم دهری آن حضرت نسبت به آدم (ع) را به گونه ای زیبا مورد تأیید قرار داده است ، توجّه بسیاری از محافل علمی را

برانگیخته و در این آشفته بازار فرهنگی ، دعوت منصفان به مطالعه آن ، پرده از بسیاری کژرویها بر می دارد . من در این گفتار قصد معرّفی یا نقد این مجموعه زیبا را ندارم ، اگر چه برای نمایش نحوه یاد کرد نبی مکرم اسلام در این انجیل مظلوم و متروک ، نقل تنها دو آیه از آن را مناسب و ضروری می دانم و آن دو آیه اینها هستند : 14 پس چون آدم برخاست بر قدم های خود در هوا نوشته [ای] دید که مثل آفتاب می درخشد که نصّ عین او: لاله الاّ الله محمد رسول الله بود . 15 پس آنوقت آدم دهان خود بگوشد و گفت شکر می کنم ترا ! ای پروردگار خدای من ؛ زیرا که تو تفّصل نمودی پس آفریدی مرا . 16 ولیکن زاری می کنم به سوی تو اینکه مرا آگاه سازی که معنای این کلمات «محمد رسول الله» چیست ؟ 17 پس خدا جواب داد مرحباً به تو ای بنده من آدم و به درستی که می گویم به تو که تو اوّل انسانی که آفریده ام او را و آنکه تو دیدی او را جز این نیست که او پسر تست آنکه زود است بیاید به جهان بعد از این به سال های فراوان . 20 و او زود است بشود فرستاده من آنکه از برای او آفریدم همه چیز را . 21 آنکه زود است نور بخشد جهان را . 22 آنکه روان او نهاده شده بود در جهان آسمانی هشت هزار سال پیش از آنکه بیافرینم چیزی را .

و همچنین آیه ای دیگر : 15 نام مسیا عجیب است ؛ زیرا که خدا وقتی روان او را آفرید و در ملکوت اعلی او را گذاشت خود او را نام نهاد . 16 خدا فرمود : صبر کن ای محمد ! زیرا که برای تو می خواهم خلق کنم بهشت و جهان و بسیاری از خلائق را که می بخشم آنها را به تو حتی اینکه هر که ترا مبارک می شمارد مبارک می شود و هرکه تو را لعنت کند ملعون می شود . وقتی تو را به سوی جهان می فرستم پیغمبر خود قرار می دهم به جهت خلاصی و کلمه تو صادق می شود ...

به سخن اصلی خود بازگردیم. گفتیم که پرکلیت موعود اناجیل موجود همان محمد موعود انجیل متروک برناباست. و گفتیم که این حقیقتی است که بسیاری از زبانشناسان معاصر هم به آن اذعان دارند. اینک این نکته را به آن گفته می افزائیم که به قرائنی در برخی از آیات از دستخوش تحریف مصون مانده اناجیل موجود، مشخصاً آیه شانزدهم فصل چهاردهم از انجیل سنت جان یا یوحنا ، مقصود از پرکلیت موعود، نه شخص رسول گرامی اسلام «ص» که موعود دیگری است که نام او نیز «محمد» و دامنه وجود و فرمانروایی او در دنیای خاکی تا ابد گسترده است. به عبارتی در اناجیل موجود از دو پرکلیت سخن گفته شده، یکی پیامبر و یکی امام عصر«ع» . همه بزرگوارانی که به این نکته توجه نداشته اند، در تطبیق خصوصیات این موعود خاص، با ویژگی های شخص رسول اکرم «ص» دچار تکلف شده اند. چه فی المثل در پیشگوئی مسیح «ع» آمده است:

من از پدر خواهم خواست و او پاراقلیطی (در اصل پرقلیطی) دیگر به شما خواهد داد که تا ابد با شما خواهد بود. همه آنانکه - با اذعان به انطباق لفظ پارقلیط بر نام محمد - موعود یاد شده را شخص نبی اکرم اسلام می دانند ، دوام دین و خاتمیت شریعت آن بزرگوار را ابدی دانسته اند. در حالیکه با پذیرش انطباق موعود مورد نظر بر حضرت بقية الله الاعظم «روحی فداء» ابهام این جمله رفع خواهد شد. یا در ادامه می فرماید: یعنی روح راستی که جهان نمی تواند او را بپذیرد ؛ چرا که او را نمی بیند و نمی شناسد .

قائلین به انطباق این موعود خاص انجیل یوحنا بر نبی مکرم اسلام ، علوّ رتبه و شخصیت بلند و والای پیامبر را مانع از شناختن ایشان دانسته اند ، در حالی که سخن عیسی (ع) به وضوح به غیبت طولانی حضرت حجت اشاره دارد . یا در آیه هفتم همین باب می فرماید : او مرا جلال خواهد داد .

یا در همان آیه به بر قراری عدالت اجباری از سوی این موعود آن هم در سراسر جهان تصریح شده است . چنانکه می بینیم این بشارت همگی با ویژگی های حضرت بقه الله الاعظم ، روحی و ارواح العالمین له الفداء ، انطباق

دارند ، یا لاقلاً قابلیت انطباق آنها بر این مورد از مدّعی دیگران بیشتر است . به علاوه پاره ای از متفکران شیعی مانند کاشانی و حیدر آملی- البته با استدلالی تقریباً متفاوت- بر صدق این مدّعا پافشاری کرده اند . اینک فرض را بر این می گذاریم که خواننده محترمی ، این بشارت خاص را با موعود ما شیعیان یکی نداند . در این حالت هم ، راه وحدت ما و مسیحیان بسته نیست .

امروزه بسیاری از ایستگاههای رادیو تلویزیونی و دهها مجله رایگان همچون پلین تروث ، یو ث ، دسی ژن و امثال آن به تبلیغ دین مسیحیت مشغولند . علاوه بر فعالیت های تبشیری مربوط به پروتستان های آمریکایی که سائقه حاکم بر آنان تمایلات شبه صهیونیستی است ، واتیکان نیز از طریق اعمال نفوذ حتی سیاسی در برخی کشورها همچون لهستان ، به اهداف مهمّی دست یافته است . ایستگاه های رادیویی مربوط به صدای انجیل و Voice of hope در ساعات مختلف به زبان های عربی و فارسی به پخش برنامه مشغولند و حتی با ارسال نوارهای مذهبی ، استفاده از قالب موسیقی سنّتی و پاپ ایرانی و خواننده های زن فارسی زبان ! از هاله لویا و مسیح (ع) سخن می گوید . تقدیم رایگان دستگاه های سبز رنگ ! پخش صوت مجهزه آمیچر و بی نیاز برق و باطری برای میسیونر های مذهبی شاغل به کار در ایران از جمله فعالیت های دیگر این مبلّغان است .

از سوی دیگر و چنانکه در مقاله ای از دکتر عبدالکریم زبیدی ، اندیشور معاصر عرب آمده است :
مؤسسات دینی ایالات متحده به همراه رسانه های دیداری و شنیداری این دولت ها از سال های دهه هشتاد میلادی ، مردم خود را به ایمان جمعی به وقوع حادثه ای بزرگ در سرزمین شام که به نیروی هسته ای خواهد انجامید توجّه داده اند . این مؤسسات پیوسته مردم خود را به ایمان به این نکته فرا می خوانند که به زودی لشگری از دشمنان مسیح که بدنه اصلی آن از میلیون ها نظامی تشکیل یافته ، از عراق حرکت می کند و پس از گذشتن از رود فرات- که در آن زمان به خشکی گراییده است- به سوی قدس رهسپار می شود. امّا نیروهای مؤمن به مسیح راه این لشگر را سد کرده و همگی در «آرماگدون» با یکدیگر برخورد خواهند کرد و در این مکان است که در گیری اتفاق خواهد افتاد . صخره ها ذوب می شوند ... دیوارها بر زمین فرو می غلتند ... پوست تن انسانها در حالی که ایستاده اند ذوب شده و میلیون ها نفر از بین می روند .

دکتر زبیدی سپس می نویسد :

يك بررسی انجام گرفته از سوی مؤسسه « نلسن» که در اکتبر سال 1985م. به نشر رسیده است ؛ نشان می دهد که در حال حاضر 61 میلیون آمریکایی به انتظار واقعه آرماگدون گوش خوابانده اند و این در حالی است که ذکر مؤسسات دینی و ایستگاههای رادیو تلویزیونی که به این مهم پرداخته اند ؛ در این مجال کوتاه مسیر نیست . زبیدی ادامه می دهد :

مؤسسات دینی آمریکایی این نکته را روشن ساخته اند که سپاهی که از عراق به سوی قدس رهسپار خواهد شد ، بنا به پیشگویی حزقیال (فصل 38 و 39) از نظامیانی از عراق ، ایران ، لیبی ، سودان ، قفقاز در جنوب روسیه تشکیل می شوند. دانستن این موضوع ما را در تحلیل سیاست خارجی دولتهای آمریکایی و اروپایی درباره مردم کشور های یاد شده مدد می دهد. مدارس انجیلی در آمریکا برپایه این تحلیل که واقعه آرماگدون تنها حادثه ای است که بازگشت دوباره مسیح را به زمین ممکن می سازد... و این واقعه ای بسیار نزدیک است به تبلیغ این دیدگاه پرداخته اند.

علاوه بر آنچه گفته شد، پی جوئی طرح هایی همچون «جنگ ستارگان» - انهدام موشك های بالستیک توسط سیستم ضد موشك جهت حفظ فضای ایالات متحده از حملات احتمالی بیگانگان - و همچنین طرح ایجاد معبد

سلیمان پس از تخریب مسجد الاقصی از توجه تام غربی ها به این مسأله خبر می دهد. چنان که سازندگان فیلم مشهوری که درباره « میشل نوستر آداموس » ساخته شد، با نمایش مستقیم مرکز فرماندهی مهدی منتظر «عج» در خاک شبه جزیره عربستان و استفاده آن حضرت از به اصطلاح سلاح های اتمی آسیای میانه بر ضد پایتخت های غربی مانند پاریس و نیویورک سعی در القای همین سناریو داشته اند.

نکته دردآور همه این تحلیل ها، تلاش مذبحخانه قدرتمندان غربی و تندروان یهودی و مسیحی در ضد مسیح یا آنتی کریست نشان دادن مسلمانان اصول گرا و از آن میان شیعیان است. چنان که در همه تحلیل های یاد شده بر نوادگی این ضد مسیح موعود شیعیان برای حضرت اسماعیل «ع» و انطباق آن بر « پادشاه وحشت » یاد شده از سوی نوستر آداموس، تأکید شده است. حال باید دید که آیا این تحلیل بر پایه های حقیقی بنا گرفته یا مسیحیان تندرو در این باره هم، همچون دیدگاهشان درباره الوهیت مسیح «ع»، ره به غلو برده اند؟

ما مسلمانان و به ویژه ما شیعیان به مسیح (ع)، عشق می ورزیم و آن رسول گرامی را کلمه ای از جناب خدا و پیامبر صلح و دوستی و محبت می دانیم. آن وجود گرانبغی که از دامن پاک مریم عذرا «س»، به جامعه بشری تقدیم شد، تا ایشان را به توصیه خدا و صراط مستقیم او فراخواند و سلام و درود بی پایان الهی را به گاه میلاد و مرگ با خود به همراه برد. اضافه بر این، مادرگرامی امام غائب ما، حضرت نرجس - ملیکه - «س» از نوادگان نیک سیرت وصی و خواری برجسته عیسی مسیح «ع»، حضرت شمعون «ع» است که خواستگاری او به گونه ای معجزه آسا از سوی روح پاک پیامبر گرامی اسلام «ص» و پسر عم بزرگوار آن گرامی، وجود مقدس مولانا امیر المؤمنین علی بن ابیطالب «ع» و در محضر بزرگ بانوی دوجهان زهرا ی اطهر «س» و همچنین عذرای بتول حضرت مریم «س» صورت گرفته است. آن زمان که کاخ آراسته سزار روم به لرزشی مهیب درهم ریخت، تا بساط عروسی آن بانو با شاهزاده رومی در هم پیچیده شود و در پی شبان و روزانی پر تک و تاب رؤیای صادقه ملیکه پاک «س»، وصلت فرخنده او را فرسنگ ها دور از آن دیار با شهنشاه عرب و میراث دار حکمت و عصمت و امامت، امامنا الحکیم، ابو محمد، حسن بن علی العسکری «ع» نوید بخشد.

از سوی دیگر قرآن آسمانی ما، این قول داود «ع» را در مزمور 96 از مزامیر تصدیق کرده است یعنی آنجا که می فرماید:

صالحان وارثان زمین خواهند بود و در آن تا ابد ساکن شده، عاقبت اشرار نابود خواهند شد.

در همین باره از پیامبر گرامی اسلام و در ذیل آیه دیگری از کلام الله؛ یعنی آیه 159 سوره مبارکه انبیاء نقل است که فرمود: زودا که پسر مریم در میانان به عنوان حاکمی عادل فرود آید و دجال را بکشد و خوک را از میان ببرد و صلیب را بشکند و جزیه وضع کرده مال بگیرد و تنها خداوند پروردگار جهانیان را سجده کند. و یا می فرماید: سوگند به خدائی که مرا به حق به پیامبری مبعوث کرد، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن اندازه طولانی خواهد کرد که فرزندم مهدی «ع» قیام کند. آنگاه روح الله - عیسی بن مریم «ع» - فرود آید و پشت سر او نماز بگذارد. و زمین به نور او روشنی یافته دامنه فرمانروائی اش خاور و باختر همه را فرا گیرد. و هم در تفسیر قمی، به اسناد خود از امام باقر «ع» نقل می کند که فرمود:

عیسی «ع» پیش از رستاخیز به دنیا فرود می آید و هیچ ملتی از یهود و جز آن نمی مانند مگر پیش از مرگ او به او ایمان می آورند و او به امامت مهدی «ع» نماز خواهد خواند.

همانطور که گفتیم این روایات در واقع تفسیر آیه 159 سوره مبارکه انبیاء هستند که می فرماید:

«وإن من أهل الكتاب إلا ليؤمنن قبل موته»

هیچ يك از اهل الكتاب باقی نمی ماند، مگر پیش از مرگ عیسی به او ایمان می آورد. به هرحال ، ما و مسیحیان در مسأله ظهور حضرت مسیح «ع» با یکدیگر اختلافی نداریم و اگر اختلافی هست از شنائت گروهی تندرو ناشی می شود که از این احساسات پاك سوء استفاده سیاسی می کنند که در این خصوص ، به ویژه راستگرایان افراطی مسیحی در ایالت متحده و متحدان یهودی آنان در سراسر جهان در القای این تعبیر شوم مؤثرند.

اگر ما و مسیحیان در انتظار جهانی عاری از خشونت و ظلم و بیداد به سر می بریم ، چرا می باید محور اصلی گفتگوهای بین ادیان را در نقطه ای دیگر غیر از این موضوع مهم متمرکز کنیم؟ هر ساله عده ای از نمایندگان علمی کشور ما در کنفرانس های منطقه ای و جهانی منادی گفتگو و وحدت شرکت می کنند؛ طرح گفت و گوی بین تمدن ها چندی است آلترناتیوی مناسب برای تئوری هانتینگتون مطرح شده است (اگر چه در يك نگاه دقیقتر چه بسا بتوان آن را زیر مجموعه ای از همان تئوری دانست)؛ در این محافل شرکت کنندگان از همه دردهای ملموس بشری همچون گسترش فقر و بیسوادی ، عدم تعادل موقعیت دفاعی و سلاح های کشتار جمعی از عدالت و آزادی ، حفظ محیط زیست و دهها امثال آن سخن می گویند، بی آنکه در این مجالس کوچک ترین اشاره ای به فقدان رهبری معصوم ، لزوم آن به عنوان تنها عامل قطعی رفع بحران و یا دیدگاه های مشترك همه ادیان درباره یوم موعود صورت گیرد. بلکه شاید بتوان ادعا کرد در این نشست ها همه تلاش ها برای ایجاد حکومت جهانی یهود صورت می پذیرد! بی آنکه کوششی برای تشکیل حکومتی جهانی که همه جهانیان در آن از حقوق یکسان برخوردار باشند انجام بگیرد. در واقع این همه آبی است که به آسیای دشمنی ریخته می شود «که خود و فرهنگ تحریف شده خویش را نژاد و فرهنگ برتر معرفی کرده و همه انسانهای دیگر را به تصریح پروتکل های حکمای صهیون - حیوان دست آموز خود می خواهد. هرگونه انفعالی از این سو، مستلزم صدها عقب نشینی تا لب این مرز است.» من این کلام را با نقل سخنی از انجیل سنت مارك (مرقس) باب 13، آیه 32 به پایان می برم:

بیدار باشید ؛ زیرا نمی دانید که در چه وقت صاحبخانه می آید... مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد.

منبع : ماهنامه موعود شماره 34